سید عباس عراقچی:

نمی‌شود با سرنوشت کشور و مردم قمار کرد

ادامه از صفحه ۳/ این تصمیم درست یا غلط، در جای خود باید در تاریخ قضاوت شود، اما به نظر من تصمیم درستی بود که نظام گرفت و آثار آن را نیز در جنگ بعدی دیدیم. یعنی جنگ دوازده‌روزه مقدمه‌ای شد برای پیروزی در جنگ ۴۰ روزه. رئیس دستگاه دیپلماسی ایران گفت: بعد از جنگ ۱۲ روزه، آنها دو نتیجه‌گیری غلط داشتند. اول اینکه باید خودشان را برای جنگی طولانی‌تر آماده کنند تا بتوانند با ایران مقابله کنند. دوم اینکه ابتدا باید پایگاه اجتماعی نظام را هدف قرار دهند و سپس خود نظام را هدف قرار دهند. به همین دلیل، ما شاهد بودیم که در این فاصله یک آرایش نظامی گسترده در منطقه ایجاد کردند و یک تقویت نظامی گسترده در منطقه شکل دادند. هرچه در توان داشتند از نیروها و تجهیزات آمریکایی وارد کردند و رژیم صهیونیستی را تا جایی که توانستند تجهیز کردند. همچنین سیستم دفاعی خود را که در پایان جنگ ۱۲ روزه دچار مشکل شده بود، تقویت کردند تا بتوانند جنگ طولانی‌تری را ادامه دهند. بعد از آن، روی مسائل اجتماعی کار کردند که حوادث ۱۸ و ۱۹ دی ماه اتفاق افتاد. پس از آن بود که به این نتیجه رسیدند که اکنون زمان مناسب فرا رسیده است؛ زمانی که آرایش نظامی دشمن در منطقه واقعاً کامل شده بود. عراقچی افزود: در همین شرایط، درخواست آنها برای مذاکره مجدد آغاز شد. این درخواست هم باز با همان موضوع غنی‌سازی صفر همراه بود؛ یعنی دوباره برگشتند به اینکه یا غنی‌سازی صفر را می‌پذیرید یا اقدام نظامی می‌کنیم. این بار شرایط این‌گونه بود. آن زمان بحث‌های زیادی صورت گرفت که آیا مذاکره مجدد انجام شود یا خیر. در نهایت جمع‌بندی این شد که مذاکره را آغاز کنیم؛ عمدتاً برای اتمام حجت، تا بعداً کسی نگوید اگر مذاکره کرده بودید، جنگ نمی‌شد.

مطمئن بودم جنگ می‌شود

وزیر خارجه در پاسخ به این سوال که شما مطمئن بودید جنگ می‌شود، گفت: من مطمئن بودم؛ جزئیاتش را بعداً خواهم گفت. نیروهای نظامی ما مطمئن بودند، خود ما هم مطمئن بودیم. چون مطمئن بودیم، گفتیم باید یکی دو دور مذاکره انجام شود. شاید طرف مقابل از موضوع غنی‌سازی صفر کوتاه بیاید، هرچند بعید بود؛ اما اگر هم کوتاه نیامد، ما حجت داریم. دیگر کسی، چه در جامعه بین‌المللی و چه در داخل کشور، نمی‌تواند به ما بگوید که تقصیر خودتان بود؛ شما باید مذاکره می‌کردید. این فلسفه ورود ما به مذاکره بود وگرنه اگر خاطرتان باشد، مصاحبه‌های من، صحبت‌های من در تلویزیون و سخنانم در مجلس پیش از آن موجود است که گفتم: هدف این مذاکرات مشخص است و اهداف نظامی دشمن نیز کاملاً روشن است. فکر می‌کنید مذاکره فریب است؟ کسی نباید فریب بخورد. فریب نخوردن برای ما بسیار آسان است. نیروهای مسلح نباید به امید مذاکره‌کننده بنشینند. من مأموریتی دارم که انجام می‌دهم؛ یا موفق می‌شوم یا نمی‌شوم. نیروهای مسلح نباید به امید من باشند. دولت هم نباید به امید من در تأمین معیشت مردم باشد. هر انباری باید پر شود، هر ذخیره‌ای باید ایجاد شود و همه اقدامات لازم باید انجام شود. به همین دلیل، وقتی جنگ ۴۰ روزه آغاز شد، ما کاملاً آماده بودیم. نشانه آن هم این است که دو ساعت بعد پاسخ خود را آغاز کردیم، زیرا همه این طراحی‌ها از قبل انجام شده بود. کاملاً مشخص بود که اگر سطح حمله دشمن هر اندازه‌ای باشد، ما متناسب با همان سطح پاسخ خواهیم داد. چرا تنگه هرمز هم از روز اول بسته شد؟ چون از قبل طراحی شده بود که اگر رهبری هدف قرار گرفت، بلافاصله تنگه بسته شود. عراقچی تصریح کرد: ببینید، مذاکره چند هدف داشت. یکی اینکه شاید در مذاکره راهی برای رسیدن به خواسته‌ها پیدا شود و ما نباید این فرصت را از دست بدهیم. جنگ به هر حال هزینه‌های خودش را دارد و اگر هر کشوری بتواند از مسیر مذاکره به اهداف خود برسد، قطعاً این راه کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر را ترجیح می‌دهد. ما می‌گفتیم شاید حتی با احتمال ۱۰ درصد بتوانیم در مذاکره به نتیجه‌ای غیر از جنگ برسیم؛ باید این فرصت را امتحان کنیم. ممکن است به نتیجه نرسیم، اما حداقل اتمام حجت کرده باشیم؛ هم با دشمن، هم با جامعه بین‌المللی و هم با مردم خودمان که ما همه مسیرها را امتحان کردیم. وزیر خارجه با رد این سخنان که اعتبار مذاکره‌کننده‌ها وقتی مرتب مذاکره می‌کنید و بعد جنگ می‌شود، از بین می‌رود، گفت: قبول ندارم. ممکن است شما این برداشت را داشته باشید، اما ما اینجا نیستیم که برای اعتبار شخصی خودمان کاری انجام دهیم یا برای حفظ اعتبار خودمان کاری کنیم. متاسفانه برخی افراد برای اعتبار خودکاری را انجام می‌دهند که من این را خیانت می‌دانم. اگر کسانی برای این کشور جان خود را می‌گذارند، من هم باید در جای خود آبرویم را بگذارم. این نگاه من به مسئله است. اما از زمانی که تصمیم گرفته شد که ما مذاکره کنیم، همین نگاه وجود داشت و چارچوب‌ها، اصول و قواعد آن نیز مشخص شد. همه این مسائل در جلساتی که آن زمان برگزار شد، مورد بررسی قرار گرفته است و مستندات آن جلسات وجود دارد. در آن زمان یک کمیته هسته‌ای وجود داشت که بعدها به کمیته مذاکره تبدیل شد و به «کمیته شش‌نفره» معروف شد. وی افزود: در آنجا تصمیم گرفته شد که ما مذاکره کنیم، اما کشور باید آماده جنگ هم باشد. من چند بار تأکید کردم که کسی فریب نخورد. حتی در یکی از جلسات دیدم که یکی از فرماندهان ارشد نظامی کمی ناراحت شد و گفت: «چرا هر بار می‌گویید کسی فریب نخورد؟ ما قرار نیست فریب بخوریم. در مذاکرات پیش از جنگ ۴۰ روزه، زمانی بود که تأسیسات هسته‌ای ما را هدف قرار داده بودند. همان زمان ما با سربلندی گفتیم: تأسیسات ما را زدید، اما ساختمان‌ها دوباره ساخته می‌شوند؛ تجهیزات و ماشین‌آلات دوباره ساخته می‌شوند. آن چیزی که نمی‌توانید از بین ببرید، علم و فناوری است که وجود دارد و باقی خواهد ماند. عراقچی در پاسخ به این سوال که اگر قبول می‌کردیم، جنگ نمی‌شد؟ اگر آن تعلیق چندساله را در همان هفته می‌پذیرفتیم؟ گفت: نمی‌شود با قاطعیت گفت. اما اگر آن را قبول کرده بودیم، خسارتی بزرگ‌تر از جنگ می‌دیدیم. چون در واقع عزت کشور را فروخته بودیم و در کنار خسارات جنگ ۱۲ روزه، با پذیرش خواسته دشمن نیز مواجه می‌شدیم.

احترام به یکدیگر

وزیر خارجه در ادامه درباره مراسم رسمی تشییع که مهمانان خارجی آمده بودند، گفت: من با بسیاری از آنها قبل و بعد از مراسم ملاقات کردم. شب هم تا حدود ساعت ۱۱ با برخی از وزرای خارجه‌ای که مانده بودند دیدار داشتیم. به آنها می‌گفتم و همه هم تأیید می‌کردند که در جنگ، دشمن از «تسلیم بدون قید و شرط» شروع کرد، اما در نهایت ما به یک یادداشت تفاهم رسیدیم که در آن دشمن متعهد شده است دیگر هیچ جنگی علیه ایران آغاز نکند و ایران را تحریم نکند. یعنی دو طرف متعهد می‌شوند که علیه یکدیگر جنگی آغاز نکنند، یکدیگر را تحریم نکنند، از زور علیه هم استفاده نکنند، به حاکمیت یکدیگر احترام بگذارند، تمامیت ارضی یکدیگر را به رسمیت بشناسند و از دخالت در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند. یعنی همان کسی که ابتدا می‌گفت «تسلیم بدون قید و شرط»، امروز همین تعهدات را می‌پذیرد و بعد می‌گوید شما هم متقابلاً همین تعهدات را بدهید؛ شما هم به حاکمیت من احترام بگذارید، در امور داخلی من دخالت نکنید و آغازکننده جنگ علیه من نباشید. به نظر من بند اول و دوم این یادداشت تفاهم، از این جهت واقعاً باعث سرافرازی است که ایران و آمریکا به عنوان دو قدرت، مقابل یکدیگر می‌نشینند و متعهد می‌شوند به حاکمیت یکدیگر احترام بگذارند و در امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند.

تمدن چند هزار ساله

وی افزود: آنها کشورهای منطقه را برای همین سناریو آماده کرده بودند که یک ماه تحمل کنند و بعد کار تمام خواهد شد. در جنگ ۱۲ روزه وقتی این اتفاق نیفتاد، آنها تحلیل دیگری کردند. به این نتیجه رسیدند که پایگاه اجتماعی نظام را باید ابتدا هدف قرار دهند. روی این موضوع کار کردند، خودشان را برای جنگ طولانی‌تر آماده کردند، با شیوه‌های جدیدتر وارد شدند. بعد از جنگ ۱۲ روزه، یکی دیگر از نتایجی که گرفتند این بود که گفتند ما فقط نیروهای نظامی را زدیم؛ اما نیروهای سیاسی آمدند و کشور را مدیریت کردند و جمع کردند. بنابراین این بار باید سراغ نیروهای سیاسی برویم و مهم‌تر از همه، رهبری را هدف قرار دهیم. تصورشان براساس تجربه ونزوئلا این بود که با این کار، نظام فرو می‌پاشد و بقیه امور به شکل دیگری پیش خواهد رفت.

غافل‌گیری در تاکتیک

وزیر خارجه گفت: اما واقعیت این بود که به همین دلیل آنها از رهبری شروع کردند و بعد سراغ مقامات سیاسی رفتند. ما در جنگ ۴۰ روزه غافلگیر نشدیم، اما غافلگیری‌های تاکتیکی داشتیم. یعنی از نظر راهبردی، از نظر مقابله با دشمن، توانمندی‌های مقابله و تاب‌آوری نظامی و دفاعی، کاملاً آماده بودیم. غافلگیر نشدیم؛ نشانه آن هم این است که دو ساعت بعد از شروع حمله، پاسخ دادیم. اما در حفاظت از خودمان و به خصوص مسئولان، به نظرم مقداری غافلگیری وجود داشت. موگویی در سوالی از وزیر خارجه در باره حوادث ۱۸ دی پرسید: آقای لاریجانی، قوای نظامی، وزارت، اطلاعات سپاه، فکر می‌کردند این جمعیت بیرون بیاید، سه هزار نفر کشته شوند، بعضی از شهرها سقوط کند؟ یعنی مشهد! ترامپ درست گفته بود که چند ساعت سقوط کرده بود؟ عراقچی با اذعان به اینکه هیچ پیش‌بینی برای حوادث ۱۸ دی در کشور نشده بود گفت: می‌شود گفت که ما برای همچین حادثه‌ای آمادگی نداشتیم. ما به هر حال باید بپذیریم یک نقاط ضعفی داشتیم.

اشتباه محاسباتی دشمن

به عقیده وزیر خارجه وقایع ۱۸ و ۱۹ دی در این که دشمن به این نتیجه برسد که زمینه جنگ وجود دارد تاثیر داشت. او گفت: از نگاه آنها یک حرکت مردمی شکل گرفته و نظام آن را سرکوب کرده است، تأثیر زیادی داشت. البته از نظر ما، این سرکوب یک حرکت تروریستی بود. اما برداشت آنها این بود که نظام این حرکت را سرکوب کرده و بنابراین زمینه اجتماعی برای اقدامات بعدی فراهم است و به نظر من در آغاز جنگ تاثیر زیادی داشت. عراقچی در توصیف دو روز منتهی به صبح حمله بازگشت از ژنو و سفر آقای بوسعیدی به آمریکا و این احساس که به رغم همه مذاکرات مثبت آمریکایی‌ها در حال آماده شدن برای حمله هستند، گفت: ایشان از ژنو به واشنگتن رفت و از آنجا با من تماس گرفت. گفت فضای آنجا بسیار سنگین است و خودش نیز به شدت ناراحت و افسرده شده بود، زیرا اعتبار او نیز در معرض خطر قرار داشت. می‌گفتیم آماده انجام اقدامات اعتمادساز هستیم اما از حق خود نمی‌گذریم. از غنی‌سازی هم عقب‌نشینی نمی‌کنیم. اگر گفته شود برای یک دوره زمانی محدود، سطح غنی‌سازی یا نحوه استفاده از مواد هسته‌ای به شکل مشخصی تنظیم شود، قابل بررسی است؛ اما اصل موضوع این است که اطمینان حاصل شود ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای نخواهد رفت. رئیس دستگاه دیپلماسی ایران گفت: ما اساساً اعتقادی به سلاح هسته‌ای نداریم و آن را حرام می‌دانیم. بر همین اساس، این ابتکارها را مطرح کردیم تا شاید بتوان روند مذاکرات را مدیریت و کنترل کرد. اما نتیجه‌ای حاصل نشد. صبح شنبه ساعت ۸ به دیدار رئیس جمهور رفتم و گزارش مذاکرات ژنو را ارائه کردم. گفتم مذاکرات، در چارچوب خود، روند نسبتاً خوبی داشت؛ اما فضای موجود دیگر فضای مذاکره نیست، بلکه فضای جنگ است. ساعت ۹ نیز قرار ملاقاتی در دفتر مقام معظم رهبری داشتم و برای ارائه گزارش به آنجا رفتم. این دیپلمات ارشد ایران گفت: قرار برای دیدار با رهبر نبود. روال کار به این صورت بود که با آقای حجازی دیدار می‌کردیم. گزارش‌ها خدمت ایشان ارائه می‌شد و ایشان مجموعه گزارش‌های دستگاه‌های مختلف را به محضر رهبر انقلاب منتقل می‌کردند. حدود ساعت ۹ صبح در دفتر آقای حجازی بودم و گزارش مذاکرات را ارائه می‌کردم. اتفاقاً به بخش مربوط به فضای سنگین و جنگی رسیده بودم و توضیح می‌دادم که از شب گذشته شرایط کاملاً تغییر کرده و احتمال حمله بسیار جدی است که ناگهان همان جا حمله آغاز شد.

حفره امنیتی

وزیر خارجه درباره غیرطبیعی بودن همزمانی و تعدد جلسات گفت: هرچند در هر ساختمان معمولاً جلسه‌ای در حال برگزاری بود. اما اینکه در همان زمان، جلسه‌ای در دفتر رهبر انقلاب، جلسه شورای دفاع به ریاست آقای شمخانی و جلسه وزارت اطلاعات هم‌زمان برگزار شده بود، نمی‌دانم اتفاقی بوده یا خیر. آنچه از نظر من مهم‌تر است، این است که آنها از برگزاری این جلسات اطلاع داشتند و این نشان‌دهنده وجود یک حفره امنیتی است؛ حفره‌ای که احتمالاً هنوز هم به‌طور کامل برطرف نشده و باید درمان شود. نیروهای امنیتی نیز در حال پیگیری این موضوع هستند. من معتقدم این حفره امنیتی صرفاً به نفوذ و دستیابی به اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه در جهت‌دهی به تصمیم‌سازی‌ها نیز وجود دارد و حتی فراتر از آن، در جهت‌دهی به تصمیم‌سازی‌ها و فضای روانی کشور نیز نقش ایفا می‌کند. به نظر من، آنها به خوبی می‌دانستند که رهبر انقلاب هر روز صبح در دفتر خود حضور دارند و این هدف برای آنها قابل دسترسی بود. اما متوجه شده بودند که جلسه فرماندهان در ساختمان مجاور یا یکی دو ساختمان آن طرف‌تر در حال برگزاری است و به همین دلیل همان زمان را برای حمله انتخاب کردند. احتمالاً از روی شانس، جلسه بزرگ وزارت اطلاعات نیز هم‌زمان برگزار می‌شد، هرچند محل آن فاصله بیشتری داشت. به هر حال، این حادثه رخ داد. ما در همان مجموعه حضور داشتیم و چند ساختمان را به‌طور هم‌زمان هدف قرار دادند و فاجعه رخ داد.

هدف‌گیری پایگاه‌های آمریکا

وزیر خارجه گفت: همه سناریوها از پیش بررسی و درباره آن تصمیم‌گیری شده بود. البته این موضوع را نیز هماهنگ کردم. لازم است این نکته را هم بگویم که اگرچه ارتباطات در آن روزها بسیار دشوار بود، اما با دو مرکز در نیروهای مسلح ارتباط لحظه‌ای داشتیم. واقعاً هر زمان آنها تماس می‌گرفتند، من در دسترس بودم و هر زمان من تماس می‌گرفتم، آنها پاسخ می‌دادند. اما درباره بسیاری از مسئولان دیگر چنین امکانی وجود نداشت. البته درباره رهبر انقلاب شرایط متفاوت بود و موضوع ایشان اساساً حساب جداگانه‌ای داشت. اما در مورد فرماندهان نیروهای مسلح، ارتباط کاملاً لحظه‌ای برقرار بود. هر زمان تماس می‌گرفتم، آقای وحیدی، سردار عبداللهی یا دیگر فرماندهان شخصاً پاسخ می‌دادند. دلیلش هم این بود که به‌ویژه در موضوع ناو دنا، مسائل پیچیده و فوری فراوانی وجود داشت. همان وزیر امور خارجه به من گفت که ما حمله خواهیم کرد. من هم پاسخ دادم که ما متقابلاً پاسخ خواهیم داد و در آن صورت جنگ میان ایران و کشور شما نیز آغاز خواهد شد. او گفت پس چه کار کنیم؟ گفتم حمله را تا حوالی ظهر به تعویق بیندازید، شاید تا آن زمان به راه حلی برسیم. آنها زمان حمله را به تعویق انداختند. بعد از آن گفت‌وگوهایی انجام شد و به یک تفاهم رسیدیم که اگر اجازه ندهند پایگاه‌های آمریکایی از خاک آن کشور برای حمله به ایران استفاده شود، ما نیز آنها را هدف قرار نخواهیم داد. البته آنها به این تفاهم پایبند نماندند و ما نیز تا پایان جنگ، مواضع مورد نظر را هدف قرار دادیم. واقعیت این بود که هیچ یک از کشورهای منطقه باور نمی‌کردند ایران بتواند آنها را هدف قرار دهد و آنها قادر به پاسخ‌گویی نباشند. این تحول بزرگی بود و ساختار امنیتی منطقه را دگرگون کرد.

همه سناریوهای ممکن

عراقچی در باره اینکه از چه زمانی تصمیم گرفته شد که برای نخستین بار ایران تقریباً تمام منطقه را هدف قرار دهد؟ گفت: ما در شورای عالی جلسات متعددی برگزار کرده بودیم. همه سناریوهای ممکن بررسی شده بود. برای مثال، بررسی شده بود که اگر آمریکا به‌تنهایی حمله کند و رژیم صهیونیستی مشارکت نداشته باشد، چه باید کرد. اگر آمریکا و رژیم صهیونیستی با هم حمله کنند، چه باید کرد. اگر زیرساخت‌های کشور هدف قرار بگیرند، چه واکنشی باید نشان داد. حتی آخرین و سخت‌ترین سناریو نیز بررسی شده بود؛ اینکه اگر رهبر انقلاب هدف حمله قرار بگیرند، چه باید کرد. حتی برای آن کد مشخصی تعیین شده بود. در جلسات، کسی حاضر نبود این موضوع را به‌صورت صریح بر زبان بیاورد. به همین دلیل برای آن یک کد تعیین شده بود. برای مثال، گفته می‌شد: «اگر کد ۱۱۰ اتفاق افتاد، باید این اقدامات انجام شود». همه می‌دانستند منظور از «کد ۱۱۰» چیست.

زیرساخت‌ها در جنگ

وزیر خارجه در مقایسه ایران و ونزوئلا و این توهم که با ترور رهبر و مسئولین ارشد کار تمام می‌شود، گفت: یکبار به آمریکایی‌ها و ویتکاف گفتم تا حالا شده در جلسه‌ای شرکت کنی و هر لحظه احتمال بدهی کل جلسه منفجر می‌شود؟ همینطور هاج و واج نگاه می‌کرد. گفتم ما این‌ها را تجربه کردیم و ایستادیم باید با ما جور دیگر صحبت و رفتار کنید. نه می‌توانید ما را تهدید کنید نه تطمیع! در مورد زیرساخت‌ها هم همین بود و چند جا را زدند و ما هم بلافاصله پاسخ دادیم. عراقچی افزود: روزهای اول جنگ ۴۰ روزه واقعا خیلی خیلی سخت بود. دشمن برنامه داشت که مردم و مسئولان را بترساند. میناب و دنا را با هدف نشان دادن عمق فاجعه به مردم و ترساندن انجام دادند. خیلی امتحان کردند ما را به نقطه تسلیم برسانند. رئیس جمهور واقعا هم در جنگ و هم مذاکره در دسترس بود و بیشترین ارتباط را با ایشان داشتیم و ایشان با من، آقای شهید لاریجانی و جانشینشان آقای ذوالقدر و آقای قالیباف مرتب جلسه داشتند که بعدا رئیس جمهور کمیته شش نفره را با حضور این افراد برای تصمیم‌گیری در لحظه در رابطه با مذاکره انتخاب کردند.

پیام مهمی برای دنیا

وزیر خارجه در پاسخ به این سوال که ارتباط شما با آقا مجتبی (رهبر انقلاب) چگونه بود؟ ایشان را دیدید؟ گفت: نه، من در این دوره ایشان را ندیده‌ام و قبلا از این هم ارتباط و برخوردی نداشتم. عراقچی درباره انتخاب ایشان گفت: به هر حال ایشان همیشه به عنوان یکی از افراد شایسته‌ی این مسئولیت مطرح بودند. تشخیص با مجلس خبرگان است اما این انتخاب به دنیا پیام مهمی فرستاد که علیرغم جنگ و فشارها تغییری در اصول و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران پدید نیامده و نخواهد آمد. وی در پاسخ به اینکه شما معتقد بودید در جنگ ۱۲ روزه پیروز شدیم، الان نظر شما چیست؟ اظهار کرد: الان معتقدم پیروزی راهبردی به دست آوردیم. موقعیت جمهوری اسلامی زمین تا آسمان فرق کرد و تصور ایران ضعیف با تصور ایران قوی و سرسخت جایگزین شد. دنیا فهمید ایران قوی است و این نتیجه مقاومت ما بود. ترامپ با مقامات اقلیم کردستان تماس گرفته بود و بعدا در مصاحبه گفته بود که سلاح فرستادیم. من با مقامات اقلیم، نخست وزیر عراق و وزیر خارجه ترکیه تماس گرفتم و هشدار دادم. و آنها گفتند که کنترل می‌کنند و اجازه تحرک و توطئه را نمی‌دهند. وزیر خارجه ایران در پاسخ به اینکه اگر ما دست برتر داشتیم و در نقطه پیروزی بودیم چرا آتش بس را پذیرفتیم؟ اظهار کرد: به همین دلیل که جنگ را باید در نقطه‌ای تمام کنیم که دست برتر داریم. جنگ چگونه باید تمام شود؟ یا با پیروزی مطلق نظامی یا مذاکره! دوم چه زمانی باید مذاکره کرد؟ وقتی دست برتر در جبهه نظامی دارید. وقتی دستاورد میدانی و راهبردی دارید باید مذاکره کنید. سوم، اگر جنگ را ادامه می‌دادیم دستاوردهای ما بیشتر می‌شد یا کمتر؟ خسارت‌های ما بیشتر می‌شد یا کمتر؟ با جان مردم و سرنوشت کشور نمی‌شود ریسک کرد. باید تصمیم درست گرفت و محاسبه کامل کرد. عراقچی در پاسخ به اینکه اما هیچ کس نمی‌تواند با قطعیت بگوید اگر جنگ مثلا ۱۵ روز بیشتر طول می‌کشید دستاورد بیشتر داشت یا خسارت بیشتر شما هم نمی‌توانید! اظهار کرد: قانون اساسی این وظیفه را به شورای عالی امنیت ملی واگذار کرده است و تشخیص این موضوع را به ترکیب این شورا و فرمان و تاییدش را به رهبری واگذار کرده است. این‌ها همه پیش‌بینی شده است. در جلسات شورای عالی هر مسئولی از زاویه دید خود شرایط را توضیح و ارزیابی می‌کرد. در جلسه نهایی شورا که یادداشت تفاهم با آمریکا را تصویب کرد همه صحبت و نظراتشان را گفتند. آتش بس در شرایط امنیتی سختی انجام شد.

هیچ وقت استعفا ندادم

وی در پاسخ به این پرسش که شنیدیم از دولت، تهدید استعفا بوده مثلا از سمت شما؟ گفت: من؟؟؟ هیچ وقت. اتفاقا در سیاست خارجی وضع من خوب بود و جنگ سیاست خارجی ما را به نقطه‌ای رسانده بود که پرچم ما بالا بود. البته خدا وکیلی کسی استعفا نکرد. وزیر امور خارجه در پاسخ به اینکه آیا آتش بس با نظر آقا مجتبی است؟ اظهار کرد: آن روزها ارتباط با ایشان سخت بود و ارتباط ما با رابط‌ها بود و مسائل اینگونه منتقل شد. عراقچی در پاسخ به اینکه اولین بار پیشنهاد آتش بس از سمت چه کسی مطرح شد؟ گفت: از پایان هفته دوم جنگ پیشنهاد آتش بس از سمت آمریکا شروع شد.